

## An Analysis of Mahmoud Ayoub's Theory of Redemptive Suffering in Islam<sup>1</sup>

**Mohammad Mahdi Keshavarz Moravveji<sup>1</sup>**  **Christopher Paul Clohessy<sup>2</sup>**   
**Rasoul Rasoulipour<sup>3</sup>** 

1. PhD student, Islamic Theology, Department of Philosophy and Theology, Shahid Motahari University, Tehran, Iran. Email: mahdi.moravveji@gmail.com

2. Associate professor, Pontifical Institute for Arabic and Islamic Studies (PISAI), Rome, Italy. Email: christopher.clohessy@pisai.it

3. Associate professor, Department of Philosophy, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. Email: rasouli@khu.ac.ir



### Abstract

Deploying the analytical method, this article addresses Mahmoud Ayoub's theory of redemptive suffering in Islam. This theory was inspired by the Christian doctrine of redemptive suffering, wherein Jesus Christ's passions are considered an atonement for the deliverance and salvation of humanity, liberating them from slavery to sins. Considering that Imam al-Husayn's suffering and martyrdom in Karbala granted him the right to

---

1. This article has been taken from the doctoral dissertation entitled "Liberative Suffering in Catholic Theology and Imami Shiism: An Analysis of the Thoughts of Mahmoud Ayyub" (Supervisors: Christopher Paul Klohesi and Rasoul Rasoulipour), Department of Philosophy and Theology, Shahid Motahari University, Tehran.

---

\* **Cite this article:** Keshavarz Moravveji, M. M.; & Clohessy, C. P., & Rasoulipour, R. (2023). An Analysis of Mahmoud Ayoub's Theory of Redemptive Suffering in Islam. *Naqd va Nazar*, 28(111), pp. 41-64. <https://doi.org/10.22081/JPT.2023.67405.2063>

---

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \* **Type of article:** Research Article

---

☐ **Received:** 20/09/2023 • **Revised:** 22/09/2023 • **Accepted:** 28/09/2023 • **Published online:** 14/01/2024

© **The Authors**



intercession, through which he can deliver people from the fires of hell, Ayoub presents a model for redemption and salvation based on Islamic doctrines and Imami Shiite theology. This article provides a critical **examination of Ayoub's model. Finally, by assessing the possibility and potentiality of the concept of redemption in Shiite theology, the article aims to pave another path for research on its full compatibility with the theological principles of Imami Shiism.**

### **Keywords**

Redemptive suffering, Catholicism, Imami Shiism, Mahmoud Ayoub.



## تحلیل نظریه محمود ایوب با عنوان رنج رهایی بخش در اسلام<sup>۱</sup>

id<sup>۱</sup> محمد مهدی کشاورز مروّجی   
 id<sup>۲</sup> کریستوفر پل کلوهسی   
 id<sup>۳</sup> رسول رسولی پور

۱. دانشجوی دکتری کلام اسلامی، گروه فلسفه و کلام، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

Email: mahdi.moravveji@gmail.com

۲. دانشیار، موسسه پاپی مطالعات عربی و اسلامی (PISAI)، رم، ایتالیا.

Email: christopher.clohessi@pisai.it

۳. دانشیار، گروه آموزشی فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: rasouli@khu.ac.ir

### چکیده

این مقاله با روش تحلیلی به نظریه محمود ایوب با عنوان رنج رهایی بخش در اسلام می‌پردازد. وی در این نظریه، از آموزه رنج رهایی بخش در مسیحیت الهام گرفته است که در آن مصائب و رنج‌های عیسی مسیح علیه السلام به عنوان فدی‌های برای نجات بشر و رهایی ایشان از بردگی گناه معرفی می‌شود. ایوب با در نظر گرفتن اینکه رنج‌ها و شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا سبب اعطای حق شفاعت از جانب خداوند به ایشان، در مقیاسی بسیار وسیع گردید؛ به طوری که بشریت را با آن مورد شفاعت قرار می‌دهند و از آتش عذاب نجات خواهند داد، به ارائه الگویی برای رهایی بخشی و نجات بر اساس آموزه‌های اسلام و کلام تشیع امامی پرداخت. در این مقاله، الگوی ایوب هم از جهت اصطلاحات کلامی و هم تطابق با آموزه‌های بنیادین کلام تشیع امامی مورد بررسی انتقادی قرار می‌گیرد و در انتها

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: «رنج رهایی بخش در الهیات کاتولیک و تشیع امامی: واکاوی اندیشه‌های محمود ایوب» (استاد راهنما: کریستوفر پل کلوهسی و رسول رسولی پور)، گروه فلسفه و کلام، دانشگاه شهید مطهری تهران می‌باشد.

۱. **استناد به این مقاله:** کشاورز مروّجی، محمد مهدی؛ پل کلوهسی، کریستوفر و رسولی پور، رسول. (۱۴۰۲). تحلیل نظریه محمود ایوب با عنوان رنج رهایی بخش در اسلام. نقد و نظر، ۲۸(۱۱۱)، صص ۴۱-۶۴.

<https://doi.org/10.22081/JPT.2023.67405.2063>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴



تلاش می‌شود تا دفاعیه‌ای نیز از این نقدها ارائه شود. در نهایت این مقاله با امکان‌سنجی و ظرفیت‌سنجی مفهوم‌رهایی‌بخشی در کلام شیعه، در تلاش است تا مسیر دیگر پژوهش‌ها را برای بررسی سازگاری کامل آن با مبانی کلامی تشیع امامی هموار سازد.

### کلیدواژه‌ها

رنج‌رهایی‌بخش، آیین کاتولیک، تشیع امامی، محمود ایوب.



۴۲

سال بیست و هشتم، شماره سوم (پیاپی ۱۱)، پاییز ۱۴۰۲

تمرکز این پژوهش بر روی بررسی و تحلیل نظریه با عنوان رنج رهایی‌بخش در اسلام است که توسط محمود مصطفی ایوب (متوفی ۱۴۴۳ق/۲۰۲۱م)، استاد مطالعات اسلامی و روابط اسلام-مسیحیت در دانشگاه تمپل آمریکا و نیز حوزه علمی هارنفورد ارائه شده است. شباهت‌های قابل توجه در زندگی، رسالت دینی و مصائب امام حسین علیه السلام و عیسی مسیح علیه السلام، همراه آشنا بودن ایوب به مبانی و آموزه‌های الهیاتی و کلامی در اسلام و مسیحیت، او را تشویق کرد که با الهام گرفتن از آموزه رنج رهایی‌بخش در مسیحیت، رساله دکتری خویش در دانشگاه هاروارد را به تلاش برای ارائه الگوی اسلامی از آموزه رهایی‌بخشی redemption مسیحی بر اساس مبانی کلامی تشیع امامی اختصاص دهد. او بعدها حاصل پژوهش‌های خود را در کتابی با عنوان رنج رهایی‌بخش در اسلام: مطالعه‌ای بر روی جنبه‌های ایثارگرانه عاشورا در شیعه اثنی عشری<sup>۱</sup> منتشر کرد. سپس او با انتشار مقاله‌ای با عنوان «ایده رهایی‌بخشی در مسیحیت و اسلام»<sup>۲</sup> به تقویت مبانی ایده خود پرداخت. این دو اثر، منابع اصلی نظریه رنج رهایی‌بخش ایوب در اسلام هستند.

برای ارائه تصویر کلی از طرح ایوب می‌توان گفت که او الگوی رهایی‌بخشی و نجات خود در اسلام را در چارچوب آموزه شفاعت<sup>۳</sup> بر اساس مبانی اسلام شیعی دوازده امامی مطرح کرده است. به نظر او، شفاعت پاداش مستقیم رنج‌ها و شهادت اهل بیت علیهم السلام است تا با این امتیاز، پیروان خود و نیز بشریت را از جهنم و عذاب الهی

1. Ayoub, Mahmoud. (1987). *Redemptive Suffering in Islam: A Study of the Devotional. Aspects of in Twelver Shi'ism* The Hague in the Netherlands: Mouton Publishers.

2. The Idea of Redemption in Christianity and Islam. See: Ayoub, Mahmoud. (2007). *A Muslim View of Christianity: Essays on Dialogue* (by Irfan A. Omar, Ed.). New York: Orbis Books.

۳. شفاعت در لغت به معنای جفت کردن یا چسباندن چیزی به چیز مشابه دیگری است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «شفاعت عبارت است از ضمیمه کردن [یا وصل کردن] شخصی به شخص دیگری که حافظ اوست و بیشتر برای ضمیمه کردن شخص دارای مرتبه بالاتر به مرتبه پایین‌تر به کار رفته است» (راغب اصفهانی، ۲۰۱۲م، ص ۴۲۶). به‌طور کلی این اصطلاح زمانی به کار می‌رود که یک شخص اصیل اعتبار و منزلت محترم خود را برای تغییر عقیده شخصی که دارای اختیار مجازات یا جریمه دیگری است به کار می‌رود.





نجات دهند. بر این اساس، خداوند مصائب و رنج‌های اهل بیت و به‌خصوص امام حسین علیه السلام را با اعطای حق شفاعت به ایشان پاداش می‌دهد تا بدین وسیله بتوانند به‌طور کلی بشریت را و به‌طور خاص شیعیان خود را از عذاب گناهان و آتش دوزخ نجات دهند (Ayoub, 1987, p. 108).

پژوهش حاضر بر آن است تا نظریه محمود ایوب درباره رنج‌رهای بخش در اسلام را مورد تحلیل و نقد قرار دهد تا از سازگاری یا ناسازگاری آن با آموزه‌های اساسی کلام شیعی اطمینان حاصل کند؛ بنابراین مسئله این است که آیا الگوی رنج‌رهای بخش در اسلام که توسط محمود ایوب ارائه شده با آموزه‌های بنیادین کلام امامیه سازگاری دارد؟ یا به تعبیر دیگر، آیا ظرفیت‌رهای بخشی در کلام شیعه امامی وجود دارد؟

### ۱. آموزه رنج‌رهای بخش در کلیسای کاتولیک

اهمیت آموزه رنج‌رهای بخش<sup>۱</sup> در الهیات کاتولیک، به‌طور ویژه در زمینه تبیین نگاه ایشان به مسئله نجات و رستگاری انسان است. درک صحیح نسبت به این آموزه مستلزم توجه به این مطلب است که کلیسای کاتولیک مرگ فجیع و غم‌انگیز مسیح را بخشی از طرح اسرارآمیز خدا برای نجات انسان می‌داند که در آن «عیسی بر حسب اراده مستحکم و آگاهی پیشین خدا تسلیم شد» (اعمال رسولان، ۲۳:۲). به نظر می‌رسد خود مسیح نیز رسالت خود را به مثابه مأموریتی از رنج و مرگ می‌شناسد. هر سه انجیل هم‌نوا<sup>۲</sup> شامل متی، مرقس و لوقا حداقل یک بار رنج و مرگ دردناک مسیح را از زبان خودش پیش‌بینی کرده‌اند (متی، ۱۶: ۸-۲۴؛ مرقس، ۸: ۳۱-۳۳؛ لوقا، ۹: ۲۱).

برای درک درستی از اصطلاح redemption در لابه‌لای متون مقدس عهدین، باید ابتدا توجه داشت که سخن‌گفتن درباره مفهوم redemption در عهدین با عبارات مختلفی صورت گرفته است؛ اما در عهد جدید بیشتر از عبارت عبری  $\lambda\upsilon\tau\rho\nu\sigma$  برای

1. Redemptive Suffering

2. synoptic gospels

ابراز این مفهوم استفاده شده است که بیشتر اوقات اشاره دارد به پولی که برای آزادی زندانیان جنگ و یا برای غرامت بردگان و یا دیگر التزامات این چنینی پرداخت می‌شد؛ بنابراین استفاده از آن در عهد جدید، بیشتر دلالت بر امور تجاری دارد؛ ولی هر زمان که ارتباطی با مفاهیم دینی داشته باشد، اشاره دارد به اینکه عیسی مسیح علیه السلام به عنوان فرزند خدا، تبدیل به غرامت همگان یا اکثریت مردم شده است (VandenBerg, 2007, p. 397).

برای آشنا کردن مخاطبان با این اصطلاح، دانشمندان و متکلمان به طور معمول تمایل دارند توضیح و تبیین آن را با استفاده سکولار (اجتماعی-حقوقی) شروع کنند تا ذهن خواننده یا شنونده را برای مواجه شدن با دلالت‌ها و مفاهیم دینی این اصطلاح آماده کنند. با این حال، برخی دیگر از محققان معتقدند که نمی‌توان مطمئن بود که همیشه بین کاربرد سکولار و کاربرد مذهبی این واژه‌ها تمایز آشکاری وجود داشته است (Johannes & Ringgren, 1975, p. 351).

در الهیات کلیسای کاتولیک، رنج‌ها و مرگ خشونت‌آمیز عیسی علیه السلام بخشی از رمز و راز نقشه خدا برای رهایی قومش از بردگی گناه است. در نتیجه رستگاری در معنای نهایی و اصلی آن نجات جهان از گناه و مرگ است که تنها با قربانی شدن عیسی مسیح علیه السلام ممکن بود (افسیان، ۱: ص ۷، عبرانیان ۹: صص ۱۱-۱۲، مکاشفه ۵: صص ۹-۱۰). مصائب و مصلوب شدن عیسی مسیح علیه السلام در متون مقدس مسیحی، به عنوان آخرین گام از فعالیت‌های رهایی‌بخش و کشیشی او گناهان جهان را کفاره داده و جبران نمود (یوحنا، ۹: ص ۱: ۲؛ و نسل بشر را از هژمونی و سلطه تاریکی نجات داد (کولسیان، ۱: صص ۱۳-۱۴)؛ بنابراین تعریف مسیحیت از مفهوم redemption که ریشه در تعریف یهودی از این اصطلاح کلامی دارد، ایده بازخرید توسط خدا است؛ به این معنی که خداوند به وسیله عیسی مسیح علیه السلام به مثابه فدی‌های ارزشمند، بشریت را از بردگی گناه بازخرید کرده و رها نموده است.

در زبان عربی، لقب عیسی نسبت به رنج رهایی‌بخش وی الفادی است که می‌تواند نشانه‌ای قوی در تأیید این ادعا باشد که کلمه فداء | افتداء نزدیک‌ترین اصطلاح به





مفهوم redemption در زبان عربی است. لويس مألوف، کشیش عرب لبنانی و مؤلف المنجد فی اللغة و الاعلام، می نویسد: «الفادی: لقب آقا[ی ما] مسیح است که بشریت را با خون خیرخواه خود رهایی بخشید» (مألوف، ۱۳۷۱، ص ۵۷۳).

## ۲. درک ایوب از مفهوم «redemption»

ایوب در ابتدا، دو نوع رستگاری و رهایی را در اسلام معرفی می کند. قسم اول، از طریق آن اعمالی است که مردم برابر گناهان خود انجام می دهند که عبارت است از توبه، کفاره، عبادت و تقسیم اموال خود با فقرا تا خطای خود را جبران کنند (Ayoub, 2007, p. 93). این نوع رستگاری با مفهوم اسلامی کفاره گناه سروکار دارد که باید توسط خود فرد داده شود.

نوع دیگر که ایوب تمایل دارد آن را تنها نوع رهایی مشروع در اسلام بداند، شفاعت است. وی معتقد است که مفهوم نجات و رهایی در اعتقاد شیعی همواره در چارچوب شفاعت مطرح می شود (Ayoub, 1978, p. 197). وی معتقد است رویکرد شیعیان به رهایی بخشی یعنی رهایی از طریق شفاعت به دیدگاه مسیحی نزدیک است. وی در این زمینه تصریح می کند: «شاید نزدیکی دیدگاه شیعیان به مسیحیت به این دلیل است که هر دو وجود یک میانجی بین انسان و خدا را می پذیرند؛ یعنی کسی که وجود و جایگاه او در تاریخ بشر نقش تعیین کننده ای در برنامه الهی برای خلقت، وحی و رستگاری دارد» (Ayoub, 1978, p. 199).

در نهایت اگرچه ایوب دانش خوبی از کلام شیعه و الهیات کاتولیک و نیز تفاوت ادعاهای این دو خانواده دینی درباره امام حسین علیه السلام و عیسی مسیح علیه السلام دارد. با وجود این، او از روی عمد تفاوتها را نادیده می گیرد و هوشمندانه تعریف گسترده ای از redemption در الگوی خود ارائه می کند تا از هرگونه انتقادی در امان بماند. ایوب مفهوم رستگاری را در وسیع ترین و شاید نادرترین معنای آن یعنی بهبود و التیام هستی یا کمال حیات انسان، یا شکوفایی طبیعت پس از یک دوره کسالت یا سکون به کار برده است (Ayoub, 2007, p. 91).



### ۳. تحلیل نظریه محمود ایوب با عنوان رنج رهایی بخش در اسلام

اینک تلاش می‌کنیم تا سازگاری یا ناسازگاری آنچه ایوب درباره رهایی بخشی در تشیع امامی ادعا می‌کند را با آموزه‌های بنیادین کلام شیعه کشف کنیم. به‌طور دقیق در اینجا این پرسش مطرح است که آیا ظرفیت رهایی بخشی در کلام شیعه امامی وجود دارد؟ در این بخش ابتدا، ارزیابی‌هایی از افکار ایوب و نقاط ضعف الگوی او ارائه می‌شود، سپس تلاش می‌گردد تا نسبت به نقدهای وارد بر الگوی ایوب، هم در اصطلاحات تخصصی و هم در ساختار الهیاتی آن، دفاعیه‌ای نیز ارائه گردد.

#### ۳-۱. تحلیل اصطلاحات کلامی ایوب

در مورد اصطلاحات کلامی ایوب در یک نگاه کلی، می‌توان اذعان داشت که اصطلاحات او در بیشتر مفاهیم فنی کلامی که به کار برده، بدون مشکل خاصی است. با این حال، مهم‌ترین آنها یعنی redemption محل تردید است و نیاز به تحلیل دقیق‌تری دارد، به‌ویژه وقتی این واقعیت را در نظر بگیریم که او کل نظریه خود را بر اساس این مفهوم بنا کرده است.

۳-۱-۱. نقد واژه «redemption» در اصطلاح‌شناسی ایوب با توجه به الگوی رهایی بخشی وی گفته شد که ایوب redemption را در یک معنای وسیع به صورت بهبود جهان هستی یا کمال زندگی انسان تعریف می‌کند (Ayoub, 1978, p. 23). ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که تعریف ایوب از redemption، تعریف دقیقی است؛ زیرا رهایی بخشی دارای وزن قانونی و کلامی خاصی است و اگر بخواهیم از آن استفاده کنیم، بلافاصله با اهمیت حقوقی و کلامی مواجه خواهیم شد؛ بنابراین چنین تعریفی ممکن است معنای رهایی بخشی در الهیات مسیحی نباشد. او با اصرار بر اینکه «باید رهایی بخشی را به عنوان یک مفهوم الهیاتی [عام پذیرفت] و به‌ویژه [آن را] از کاربرد تخصصی‌اش در الهیات مسیحی تمایز داد» (Ayoub, 1978, p. 24)، بار معنایی آن را کاهش می‌دهد و در عوض، بر افراد و





شخصیت‌های نجات‌بخش به عنوان دوستان خدا تأکید می‌کند؛ اما نکته مهم این است که در چنین استدلال‌های الهیاتی، حذف معنای الهیاتی (یهودی-مسیحی) آن از کلمه، درحقیقت به مثابه بی‌معنی کردن آن است.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تعریف یهودیان از redemption که بعدها به تعریف مسیحی تبدیل شد، ایده بازخرید توسط خدا بود. به این معنا می‌توانیم بفهمیم آنچه ایوب می‌خواست بگوید این بود، ممکن است خداوند به نحوی از امام حسین علیه السلام برای اصلاح امت آسیب‌دیده استفاده کرده باشد؛ اما نه به معنایی که ایوب ابراز داشته است؛ بلکه برای نجات اسلام از الگوی اسلامی معاویه و پسرش یزید. آیا چنین سخنی بدین معناست که خدا از خون امام حسین علیه السلام برای بازخرید اسلام استفاده کرده است؟ این یک ادعای کاملاً چالش‌برانگیز است که ما را به الهیات مسیحی نزدیک می‌کند و ممکن است باعث سوء تفاهم‌های جدی شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ایوب اصطلاح و مفهوم کلامی redemption در الهیات مسیحی را با تعریف نادر و بسیار گسترده خود، در هم آمیخته است. ارائه چنین تعریفی احتمالاً به دلیل نگرانی از نقدهای قابل پیش‌بینی در استفاده از این اصطلاح تخصصی بوده است. او در کتاب خود اعتراف می‌کند که این یک اصطلاح مشکل‌ساز است؛ زیرا وزن مسیحی دارد و به همین دلیل تلاش می‌کند، این کلمه را بازتفسیر کند. با این حال او با این کار، معنای واقعی این اصطلاح فنی را از دست داده است.

### ۳-۱-۲. دفاع از ایوب درباره استفاده‌اش از «redemption»

در قسمت پیشین، ضعف واژگان ایوب را در استفاده از مفهوم رهایی‌بخشی یا redemption دیدیم. همان‌طور که قبل‌تر نیز اشاره شد، او نگران این موضوع نبود که معنای دقیق رهایی‌بخشی در الگوی خود با معنای الهیاتی یهودی-مسیحی سازگار باشد. او برای راه چاره، بار معنای redemption را با اصرار بر اینکه «باید از رستگاری به عنوان یک مفهوم الهیاتی، و به‌ویژه از کاربرد فنی آن در الهیات مسیحی متمایز شود»

(Ayoub, 1978, p.23) کاهش می‌دهد تا از تعارضات احتمالی جلوگیری شود. با این حال، بیان شد که تعریف او با درک مسیحی از redemption متفاوت است. در این بخش تلاش خواهیم کرد از کاربرد اصطلاحات کلامی ایوب در خصوص مفهوم redemption دفاع کنیم. به طور دقیق، ادعا در اینجا این است که می‌توانیم رستگاری را در اسلام عملاً مشابه معنای یهودی-مسیحی آن بیابیم. بهترین راه برای اثبات این ادعا، نشان‌دادن این است که مفهوم و عمل بازخرید توسط خداوند در اسلام نیز وجود دارد؛ بنابراین سؤالی که می‌توان در اینجا بررسی کرد این است که آیا کلام اسلامی ایده بازخرید یا بازپس‌گیری خداوند را تأیید می‌کند؟

برای پاسخ به این پرسش، لازم است برخی اطلاعات مقدماتی را از کلام و فقه اسلامی وام بگیریم:

● خداوند در اسلام، مالک حقیقی همه چیز است. این مالکیت نتیجه اساسی خلقت جهان توسط او است. قرآن با عبارات مختلف تأیید می‌کند که همه چیز از آن خداست، برای مثال: «مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد، فقط در سیطره خداست» (مائده، ۱۷، ۴۰، ۱۲۰)، «آنچه در آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست» (طه، ۶)، «آیا ندانسته‌ای که فرمانروایی و حکومت آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره اوست و شما را جز خدا هیچ سرپرست و یاوری نیست؟» (بقره، ۱۰۷).<sup>۱</sup> فقهای شیعه تأیید می‌کنند که این نوع مالکیت یعنی مالکیت حقیقی، به طور

۱. مسیحیت نیز این عقیده را دارد و مالکیت واقعی خدا را به دلیل خلقت او بر جهان تأیید می‌کند؛ برای مثال خدا مالک جهان است؛ زیرا او آن را آفریده است (یوحنا، ۱: ۳، سفر پیدایش، ۱: ۱)، «جهان و هرچه در آن است، از آن خداوند است. زمین و تمام کسانی که روی آن زندگی می‌کنند، از آن او هستند؛ [زیرا] آن را بر آب‌های عمیق زیر زمین بنا کرد و پایه‌های آن را در اعماق اقیانوس گذاشت» (مزامیر، ۲۴: ۱-۲)، «اما ای دوست من، تو کیستی که با خدا صحبت کنی؟ دیگ سفالی از کسی که آن را ساخته است نمی‌پرسد: «چرا مرا این‌طور ساختی؟» بالاخره کسی که گل‌دان را می‌سازد حق دارد از گل هر طور که می‌خواهد استفاده کند» (رومیان، ۹: ۲۰-۲۱).





انحصاری از آن خداوند است و او نمی‌تواند برای مثال به مالکیت حقیقی‌اش پایان دهد، یا آن را رها کند یا به بندگانش واگذار کند، همان‌طور که نمی‌تواند حیات خودش را پایان دهد یا به دیگری واگذار نماید. تعبیر اضافه اشراقی برای بیان این نوع مالکیت در بیانات فقهای شیعه قابل مشاهده است که ورود آن به اصطلاحات فقهی احتمالاً تحت تأثیر عرفا و فلاسفه بوده است. در این تعبیر، خداوند دارای ولایت مطلقه است که در آن ظهور هر موجودی (حدوث) و ماندگاری آنها (بقا) در هر لحظه به اراده او بستگی دارد (مرّوجی قزوینی، ۱۳۹۷ق، ج ۳، ص ۱۵۶).

● در فقه شیعه انواع دیگری از مالکیت وجود دارد که در ارتباط با انسان‌ها است؛ برای مثال هر انسانی بر اراده و اعمال خود مالکیت ذاتی دارد. این مالکیت از ویژگی‌های اساسی و ذاتی هر انسانی است؛ همان‌طور که شوری ویژگی ذاتی نمک است. هیچ کس نمک را شور نمی‌کند؛ بلکه خداوند آن را به گونه‌ای آفریده است که ذاتاً شور است و اگر نمک را شیرین تصور کنیم، در این صورت دیگر آن ماده، نمک نیست. به همین ترتیب، هر انسانی که خدا آفریده است، مالک اراده و اعمال خود است و در نتیجه این مالکیت می‌تواند و باید مسئول آن اعمال باشد. افزون بر این، هر انسانی می‌تواند دارای مالکیت اعتباری نیز باشد؛ به این معنا که حق مالکیت زمین، ساختمان، اتومبیل یا چیزهای دیگر را دارد که می‌تواند آن‌ها را بفروشد یا بخرد و یا به دیگری هدیه دهد. مالکیت اعتباری (مالکیت تفویضی) توسط قانون حمایت می‌شود و به این معنا نیست که مردم مالکان حقیقی هستند (مرّوجی قزوینی، ۱۳۹۷ق، ج ۳، صص ۱۵۶-۱۵۷).

● ما می‌توانیم انواع مختلف قرارداد/مبادله بین خدا و مؤمنان را در قرآن ببینیم؛ مثلاً در سوره بقره آیه ۲۴۵ خداوند به مؤمنان قرض می‌دهد و نقش قرض‌گیرنده‌ای را ایفا می‌کند که می‌خواهد از مؤمنان برای فقرا قرض کند و در ازای آن قول می‌دهد که مال قرض‌دهندگان را چند برابر کند. خداوند به مؤمنان می‌گوید:

«کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟». این آیه بر نوعی رابطه تجاری بین خدا و بشر، یا مؤمنان، دلالت دارد که مالکیت تفویضی مردم را تأیید می‌کند. کسی می‌تواند به خدا قرض دهد که به نوعی صاحب و مالک آن مال باشد؛ همچنین در آیات پرشماری مشاهده می‌کنیم که بین خدا و قومش رابطه خریدار و فروشنده وجود دارد (بقره، ۲۰۷؛ توبه، ۱۱۱). به همین ترتیب، می‌توان دریافت که قرآن از رابطه رهن‌کننده (راهن) و رهن‌دهنده (مرتهن) بین خدا و بشر، یا مؤمنان، نیز صحبت می‌کند که ممکن است کاملاً مشابه عقد رهن در فقه اسلامی نباشد. با این حال، حداقل تأیید می‌کند که بدهی‌ای وجود دارد که باید با اعمال ما پرداخت شود (مدثر، ۳۸).

پس از دریافت این اطلاعات مقدماتی، می‌توانیم قرآن را مرور کنیم تا ببینیم آیا redemption را تأیید می‌کند یا خیر. خداوند در آیه ۳۸ سوره مدثر می‌فرماید: «هرکسی در گرو دست آورده‌های خویش است». بدیهی است که این آیه دلالت دارد بر اینکه هر انسانی به خداوند بدهی دارد که باید با عمل، آنها را پرداخت کند. پس هرکس نسبت به آنچه از اعمال خود به دست می‌آورد، به نوعی در گرو و مدیون است. با این حال، ممکن است پرسیده شود که چه اعمالی می‌تواند آنها را از این رهن و گرو رهایی بخشد و بدهی آنها را بپردازد؟ خداوند در سوره صف آیات ۱۰-۱۲ به این پرسش این‌گونه پاسخ می‌دهد:

ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این [ایمان و جهاد] اگر [به منافع فراگیر و همیشگی آن] معرفت و آگاهی داشتید، برای شما [از هر چیزی] بهتر است تا گناهتان را بپامزد و شما را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و خانه‌های پاکیزه در بهشت‌های جاویدان، درآورد؛ این است کامیابی بزرگ.

از این آیات می‌توان فهمید که همه انسان‌ها در گرو اعمال خود هستند؛ یعنی





سرنوشت آنها با اعمالشان رقم می‌خورد. کسانی که با مجاهدت در راه خدا با مال و جان خود به اعمال نیک دست می‌یابند، از این رهن آزاد و رها خواهند شد و در نتیجه دست کم در فهم عبری redemption باز خرید خواهند شد. مجاهدت در راه خدا با مال به معنای کمک به فقرا از راه انفاق یا قرض دادن پول یا کمک‌های دیگر است؛ زیرا خداوند بی‌نیاز است و وجودش به هیچ موجود دیگری وابسته نیست (انعام، ۱۳۳؛ نور، ۷۰).

در آیه ۲۰۷ سوره بقره، خداوند رابطه خریدار و فروشنده را بین خود و بندگانش تأیید می‌کند که در آن عده‌ای می‌توانند خود را به خدا بفروشند تا تحسین و رضایت او را به دست آورند. خداوند در این آیه می‌فرماید: «و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد [مانند امیرالمؤمنین علیه السلام] و خدا به بندگان مهربان است». ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه اظهار می‌کند که همه مفسران قرآن بر این باورند که این آیه درباره امام علی علیه السلام است که در لیلۃ‌المبیت به جای پیامبر صلی الله علیه و آله خود را در معرض خطر مرگ قرار داده است؛ درحالی‌که پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به سوی یثرب حرکت کرده بود (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۷م، ج ۱۳، ص ۲۶۲). با توجه به این حقیقت، آیه دلالت می‌کند که امام علی علیه السلام هنگام خوابیدن در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله، خود را به خدا فروخت و خود را در معرض خطر کشته شدن قرار داد و از این راه رضایت خداوند را به دست آورد؛ همچنین در حدیثی، امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «بدانید که هیچ معامله‌ای برای جان شما بزرگ‌تر از بهشت نیست. پس خود را به کمتر از آن نفروشید» (کلینی، ۲۰۰۷م، ج ۱، ص ۱۰). این حدیث نیز این مبادله بین خدا و بشر، یا مؤمنان، و اینکه ما می‌توانیم خود را به خدا بفروشیم و او ما را بخرد را تأیید می‌کند.

آخرین آیه‌ای که در اینجا باید بررسی شود آیه ۱۱۱ سوره توبه است که خداوند می‌فرماید:

یقیناً خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می‌کنند، پس [دشمن را] می‌کشند و [خود در راه خدا] کشته می‌شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و

انجیل و قرآن [وعدۀ بهشت داده است] و وعدۀ ای حق؛ و چه کسی به عهد و پیمانۀ از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به این دادوستدی که انجام داده‌اید، خوشحال و شاد باشید؛ و این است کامیابی بزرگ.

در این مبادلۀ بزرگ، خریدار خداوند است و مؤمنانی که جان و مال خود را فدا کرده‌اند نیز فروشنده هستند؛ همچنین بهشت کالای مورد دادوستد است و از سوی دیگر جان یا مال مؤمنان بهای آن است. موضوع مهم دربارهٔ موضوع ما در این آیه، این است که وجود چنین مبادلۀ/تجارتی بین خدا و قومش در تورات و انجیل نیز تصدیق شده است و قویاً تأیید می‌کند که این شیوۀ سنتی زندگی برای خدا و رستگاری در ادیان ابراهیمی است.

در نتیجه برای امکان ظرفیت redemption در شیخ امامی می‌توان چنین استدلال کرد؛ از آنجاکه در اسلام از یک سو خداوند مالک حقیقی همه چیز است (هرچند که هر انسانی را مالک ذاتی نفس و اعمالش آفریده است) و از سوی دیگر هر کس مرهون و در گروی اعمال خود است، خداوند با اینکه مالک حقیقی انسان و اعمال او است؛ اعمال نیک (مجاهدت در راه خدا با جان و مال) وی را باز خرید می‌کند تا بدین سبب او را مورد آموزش گناهان قرار دهد و در نتیجه آنها را از این رهن و گرو رهایی بخشد.

### ۲-۳. ظرفیت «redemption» در کلام شیعه: تحلیل الهیات ایوب

#### ۱-۲-۳. نقد الهیات ایوب

پرسش مطرح در این بخش این است که آیا حق شفاعت پیامبر ﷺ و اهل بیت  فقط به دلیل پاداش مصائب و محرومیت‌های آنان است؛ یا می‌توان نظر جامع‌تری ارائه داد؟ همان‌طور که اشاره شد، ایوب شفاعت را پاداش مستقیم مصائب پیامبر ﷺ و اهل بیت  معرفی می‌کند. او مخصوصاً به جایگاه والای امام حسین  در پیشگاه خداوند که منجر به پذیرش شفاعت آن حضرت در سطح بسیار گسترده می‌شود، اشاره کرده است و می‌گوید: «مقام او جز با شهادت حاصل نمی‌شد» (Ayoub, 1978, p. 15). وی همچنین حدیثی را نقل می‌کند که در آن پیامبر اکرم ﷺ در خوابی کوتاه هنگام





سحرگاه، قبل از جنگ کربلا به امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «حییی یا حسین إن أباک وامک وأخاک قدموا علی وهم مشتاقون إلیک، وإن لک فی الجنان لدرجات لن تنالها إلا بالشهادة؛ ای حیب من، پدر و مادرت و برادرت به دیدارت آمده‌اند. من و آنها در انتظار توایم. همانا برای تو در باغ‌های بهشت مقام‌های بلندی است که جز با شهادت نمی‌توانی به آن دست‌یابی» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۵۶؛ مجلسی، ۱۹۸۳م، باب ۳۷، ش ۱، ص ۳۲۸؛ Ayoub, 1978, p.122).

با این حال، باید در نظر گرفت که می‌توان اشکالات و نقاط ضعف احتمالی به اندیشه‌های کلامی ایوب وارد کرد. در واقع اولین نقطه ضعف احتمالی الگوی ایوب این است که شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اساساً به مقام والا و محترم آنها نزد خداوند مربوط است و نه صرفاً پاداش مصائب و رنج‌های ایشان. اگرچه امتحان به وسیله رنج و سختی سنت الهی برای تعیین مراتب انسان است؛ اما تنها دلیل بر مقام والای اهل بیت نیست. از نظر شیعیان، خداوند نور پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را حتی قبل از خلقت جهان آفریده است و ایشان انسان‌هایی کامل و معصوم و بهترین مخلوق در سراسر جهان، حتی قبل از مصائب و شهادتشان بوده‌اند؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در عرش خدا از جایگاه والایی برخوردارند که دلایل پرشماری دارد که عبارت‌اند از: عصمت، تقوا، طهارت در اطاعت از احکام خدا و دیگر فضایل؛ اما تحمل آن رنج‌ها و محرومیت‌ها جایگاه رفیع آنها را تقویت کرده است. با این حال، این را نیز باید در نظر گرفت که حتی تحمل رنج به‌تنهایی نیز تأثیری در تقرب به خدا ندارد؛ بلکه ارزش و تأثیر آن در گرو اخلاص است. البته این تحمل رنج‌ها درباره اهل بیت علیهم السلام در کمال اخلاص و تسلیم برابر اراده الهی بوده است. بر اساس تفسیر شیعی قرآن، خداوند بر آن بوده است که اهل بیت علیهم السلام را با اراده خاص و منحصر به فرد خود تطهیر کند؛ به گونه‌ای که عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام با هیچ‌یک از مخلوقات او قابل مقایسه نیست (Moravveji, 2022, p. 43).<sup>۱</sup>

۱. در آیه قرآنی «إِنَّمَا يَرِيءُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (سجده، ۳۳) طهارت اهل بیت علیهم السلام بر اساس تفاسیر شیعه، به اراده الهی منسوب است.



از سوی دیگر، احادیث پرشماری، چه در منابع شیعه و چه در منابع اهل سنت وجود دارد که خشم یا رضایت خداوند را بسته به خشم یا شادی حضرت فاطمه علیها السلام می‌دانند؛ درحالی که بیشتر مصائب او پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است و قدمت این احادیث به زمان ایشان می‌رسد؛ مثلاً در روایتی آمده است: «خداوند از خشم فاطمه غضبناک و از رضای او خشنود می‌شود» (المتقی الهندی، ۱۹۸۱م، ج ۱۲، ص ۱۱۱). یا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هرکس فاطمه را بیازارد، مرا آزرده و هر که مرا آزار دهد، خدای تعالی را آزرده است» (المتقی الهندی، ۱۹۸۱م، ج ۱۲، ص ۱۱۱). در نتیجه مقام والای پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در این معنا که خداوند هرگز خواسته‌های آنان را رد نمی‌کند، حتی قبل از مصائب آنها در این دنیا ایجاد شده است. در مواقع مختلف که ائمه علیهم السلام از خداوند چیزی درخواست می‌کردند قطعاً قبول می‌شد و به خواست خدا اتفاق می‌افتاد. شفاعت نیز درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از خداوند در قیامت است؛ اما باید در نظر داشت که خداوند هرگز و حتی قبل از آن همه مصائب، خواسته‌های آنان رد نمی‌کرد.

بنابراین شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و کل فرایند شفاعت در روز قیامت، بیانگر احساس و محبت خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و نمایش مقام والای آنان به همه موجودات، اعم از جن و انس است. پس مقام والای ائمه علیهم السلام برابر عرش خداوند بر همه خلق تجلی می‌یابد تا احترام دیگر موجودات را جلب و شکوه و عظمت ایشان را اظهار کند.

افزون بر این، شفاعت هدف دومی نیز دارد. در روز قیامت که نه پشیمانی و نه توبه گناهکاران و متجاوزان فایده‌ای ندارد، شفاعت مرحمتی از جانب خداست تا به نفع کسانی باشد که زندگی نسبتاً نیکی داشته‌اند؛ اما میزان نیکی و بدی آنها بیشتر به سمت بدی‌ها سنگینی می‌کند تا به اعمال نیک (Ayoub, 1978, p. 214). در این معنا، رحمت خداوند برای گناهکاران بهانه‌ای است و به آنها کمک می‌کند تا از عواقب کارهای





قبلی خود رهایی یابند. پس شفاعت از شفقت و دلسوزی خداوند به مردم فقیر و درمانده سرچشمه می‌گیرد.<sup>۱</sup> بنابراین می‌توان فهمید که در اعتقاد شیعی، خداوند به هیچ وجه یک خدا بی‌عاطفه و بی‌تفاوت نیست. محبت و شفقت او همه‌بندگانش را در برمی‌گیرد و حتی اصرار به یافتن راهی برای نجات گناهکاران دارد. البته این خدای مهربان و رحیم در تشیع امامی، خدای منفعلی نیست؛ اگرچه ممکن است به آنچه برخی از الهی‌دانان مسیحی، مانند یورگن مولتمان گفته‌اند، شباهت‌هایی داشته باشد. او خداوند را چونان خدایی دلسوز، مستعد احساسات و خدایی که به دلیل مصائب بندگانش رنج می‌کشد، به تصویر کشیده است.<sup>۲</sup>

دومین ضعف احتمالی الگوی ایوب این خواهد بود؛ درحالی‌که او بین آنچه در واقعه کربلا و در گلگتار رخ داده است و همچنین تأثیر آنها بر رستگاری انسان را مقایسه کرده است و از شباهت‌های میان این دو رویداد استفاده می‌کند؛ اما نه تنها هرگز به

۱. بنابراین فلسفه وجودی حوض کوثر آرامش‌دادن به مردان و زنان وحشت‌زده‌ای است که قبل از رسیدن به آب، لحظات دردناکی را پشت سر می‌گذارند. در آخرت‌شناسی اسلامی، آتش نماد مجازات است و در مقابل، آب نماد نشاط و آرامش کسانی است که مرتکب گناه شده‌اند و در روز قیامت، در انتظار اعزاز به جهنم هستند. باید تأکید کرد که نماد شفاعت به این معنا نیست که در واقعیت حوضی پر از آب نباشد. با وجود اتهاماتی که مخالفان نشان درباره تفسیر باطنی قرآن به شیعیان وارد می‌کنند، مسلمانان شیعه به ظاهر متن وفادار هستند و بدون دلیل عقلی یا روایات صحیح از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام نمی‌توانند معانی ظاهری متون را انکار کنند یا تغییر دهند. در نتیجه مسلمانان شیعه به وجود حوض کوثر معتقدند، و نوشیدن از آب آن برای همه مردم، اعم از صالحان و شهدا و آن‌هایی که مستحق عذاب در جهنم‌اند، نماد اجازه ورود به بهشت است؛ ولی با شفاعت نجات می‌یابند. در نهایت وقتی به گنهکار اجازه داده شد از آب آن بنوشد، به این معناست که با شفاعت صاحب حوض، به او اجازه داده شده است به بهشت برود.

۲. یورگن مولتمان، متکلم پروتستان آلمانی (متولد ۱۹۲۶م)، در اثر پیشگام خود «Theology of Hope: On the Ground and the Implications of a Christian Eschatology»، ناسازگاری اجتناب‌ناپذیری را بین مفهوم خدای ایستا، غیر قابل نفوذ برابر احساسات و نیز مداخله او در امور انسانی، در واقعه مسیح مطرح کرد. در عوض، او در اثر دیگر خود «خدای مصلوب» تصویری از دعوت به مشارکت، هم‌فعالانه و هم‌منفعلانه، در هر جایی که دوست داریم، دعا می‌کنیم و امیدواریم، ارائه کرد.

تفاوت‌ها اشاره نمی‌کند؛ بلکه تفاوت‌های قابل توجه میان ادعاهای مسیحیان درباره عیسی مسیح علیه السلام و اسلام شیعی در مورد ماهیت امامت را نیز نادیده می‌گیرد؛ برای مثال قرآن می‌فرماید: «و هیچ کس چیزی نیندوخت مگر بر خود، و هیچ نفسی بار (گناه) دیگری را بر دوش نگیرد» (انعام، ۱۶۴) و این یعنی مصائب و تنگدستی ائمه علیهم السلام گناهان دیگران را پاک نمی‌کند؛ زیرا هیچ کسی بار دیگری را به دوش نمی‌کشد. شهادت امام حسین علیه السلام در دیدگاه شیعه، به دلیل آموزه قرآنی امر به معروف و نهی از منکر و با هدف اصلاح در حکومت و امت بوده است؛ بنابراین شهادت امام حسین علیه السلام تحمل منفعلانه رنج نبوده؛ بلکه قیام علیه ظلم و ستم بوده است (Moravveji, 2022, p. 44).

### ۲-۲-۳. دفاع از الهیات ایوب

#### ۱-۲-۳. پاسخ ضعف اول

اول از همه، باید تکرار کرد که مسیحیان معتقد نیستند تحمل رنج عیسی مسیح علیه السلام تنها عامل رهایی‌بخشی یا قدرت شفاعت اوست. رستگاری در باور مسیحی نتیجه مجموعه‌ای از فعالیت‌های انجام‌شده به دست مسیح علیه السلام است، به علاوه پاسخ ایمانی مردم است؛ بنابراین هیچ مسیحی نمی‌تواند ادعا کند که تنها با مصلوب شدن یا مرگ عیسی علیه السلام نجات یافته است. البته رنج‌ها و محرومیت‌های مسیح علیه السلام نقش تعیین‌کننده‌ای در مأموریت رهایی‌بخش او دارند؛ اما تنها دلیل نیستند.

همچنین لازم است که منظور ایوب را از این جمله که «مقام او [امام حسین علیه السلام] جز با شهادت به دست نمی‌آمد» بررسی کنیم (Ayoub, 1978, p.15). البته اگر منظور ایشان این است که شفاعت امام حسین علیه السلام منحصرأ به دلیل شهادت و مصیبت ایشان بوده است، کلام صحیحی نخواهد بود. با این حال، می‌توان ادعای ایوب را این‌گونه توجیه کرد که قدرت شفاعت و نیز مخاطب شفاعت امام حسین علیه السلام گسترده‌تر است؛ بنابراین منظور ایوب از چنین مقامی ممکن است قدرت شفاعت بی‌حد و حصر برای امام حسین علیه السلام





باشد که همه بشریت را در برمی گیرد و این گستردگی بی حد و حصر ناشی از تحمل رنج های وی باشد. به این معنا، امام حسین علیه السلام نزد خداوند چنان اعتبار و آبرویی داشت که حتی قبل از واقعه عاشورا نیز دیگران را شفاعت می کرد؛ اما پس از آن فداکاری شگرف و شگفت انگیز، خداوند هر محدودیتی را برای شفاعت وی، جز در موارد استثنایی، از میان برداشت و قلمرو شفاعت او را گسترش داد تا بتواند برای همه بشریت شفاعت کند.

### ۲-۲-۳. پاسخ ضعف دوم

از یک طرف، مسیحیان معتقدند که عیسی مسیح علیه السلام همه گناهان نسل بشر را به دوش کشید و خود را قربانی کرد تا آنها را از بردگی گناه رهایی بخشد. از سوی دیگر، آنها معتقدند که فدیۀ عیسی مسیح علیه السلام بدون پاسخ ایمانی مردم آن هم با برخی شرایط، کارآمد نیست. در ابتدا، به نظر می رسد در مسیحیت، ابهامی در رابطه با نقش عیسی به عنوان حامل گناهان مردم وجود دارد که آیا او به جای گناهکاران رنج کشیده است یا خیر. اگر مسیحیان واقعاً به این اعتقاد دارند، پس دیگر دلیلی برای باور به وجود جهنم نخواهند داشت؛ زیرا عیسی علیه السلام به جای همه گناهکاران مجازات شده است. در واقع آموزه های کلام مسیحی اصرار دارد که گناهکاران در جهنم مجازات خواهند شد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که اگر گناهکارانی آن طور که می بایست به فعالیت های رهایی بخش عیسی علیه السلام پاسخ ندهند، در جهنم مجازات خواهند شد؛ یعنی با وجود اینکه عیسی علیه السلام در واقع بار گناهان آنها را به دوش کشیده است؛ اما آن گناهان با توبه توسط گناهکار نابخشوده می مانند.

در باره آیه قرآنی «و هیچ نفسی بار (گناه) دیگری را بر دوش نگیرد» (انعام، ۱۶۴) و استفاده از آن برای نقد کلام ایوب، ابتدا باید به مثالی اشاره کرد. اگر شخص «الف» معامله خوبی با شخص «ب» انجام دهد - در هر نوع مبادله ای - که واقعاً منفعت خوبی برای او به همراه دارد و «ب» بخشی از بدهی برادر «الف» یا حتی کل بدهی وی را

به عنوان راهی برای قدردانی و گرامی‌داشتن «الف» بیخشد، این تنها یک بخشش و قدردانی خواهد بود. بخشش بدهی توسط «ب» به این معنا نیست که «الف» بدهی برادرش را پرداخت کرده است؛ بلکه این تنها راهی است برای «ب» تا قدردانی و احترام خود به «الف» را ابراز کند.

همچنین فاجعه کربلا را می‌توان به مثابه مبادله‌ای بین خدا و امام حسین علیه السلام دانست که در آن امام حسین علیه السلام رضایت خداوند را به دست آورد؛ درحالی که به دلیل اینکه وی معصومی بود که هیچ گناهی مرتکب نشده بود، نیازی به بخشش خداوند نداشت؛ اما او در راه اصلاح امت، خود را فدا کرد و با جان و هر چه داشت در این راه مجاهدت کرد. پس از ایشار امام حسین علیه السلام، خداوند شفاعت او را برای نجات گناهکاران می‌پذیرد؛ زیرا او نزد خداوند از چنان محبوبیت و احترامی برخوردار است که هیچ یک از درخواست‌هایش رد نمی‌شود، برخلاف برداشت مسیحی از قربانی شدن مسیح علیه السلام. چنین مبادله‌ای به این معنا نیست که امام حسین علیه السلام بار گناه مردم را به دوش می‌کشد یا به جای دیگران گناهکار محسوب شده است.

### نتیجه‌گیری

ایوب، الگوی رهایی‌بخشی و نجات خود در اسلام را در چارچوب آموزه شفاعت بر اساس مبانی تشیع امامی و با الهام از آموزه رنج رهایی‌بخش در مسیحیت مطرح کرده است. به نظر او، شفاعت پاداش مستقیم رنج‌ها و شهادت اهل بیت علیهم السلام است تا با این امتیاز، پیروان خود و نیز بشریت را از جهنم و عذاب الهی نجات دهند. این پژوهش به بررسی سازگاری یا ناسازگاری آنچه ایوب درباره رهایی‌بخشی در تشیع امامی مطرح کرده با آموزه‌های اساسی کلام شیعی پرداخته و به طور مشخص ظرفیت رهایی‌بخشی در کلام امامیه را بررسی کرده است. در این راستا، هم اصطلاحات کلامی ایوب و هم الهیات او تحلیل شد. درباره اصطلاحات کلامی ایوب استدلال شد که در اسلام چگونه نوعی مبادله میان



خداوند و انسان تأیید شده است که از طریق آن خداوند از بازخرید اعمال نیک (جهاد با مال و جان)، انسان را مورد آموزش گناهان قرار می‌دهد و از عذاب دوزخ رها می‌کند؛ همچنین درباره‌ی الهیات ایوب نیز دو نقد وارد شد و سپس تلاش گردید دفاعیه‌ای برای ایوب نیز پیشنهاد شود. در نهایت این مقاله می‌تواند امکان و ظرفیت redemption را در کلام شیعه تأیید کند و مسیر دیگر پژوهش‌ها را برای بررسی سازگاری کامل آن با مبانی کلامی تشیع امامی هموار سازد.



نظر  
صدر

سال بیست و هشتم، شماره سوم (پیاپی ۱۱)، پاییز ۱۴۰۲

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

ابن ابی الحدید. (۱۹۶۷م). شرح نهج البلاغه (ویرایش: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

المتقی الهندی، علاء‌الدین. (۱۹۸۱م)، کنز العمال (ج ۱۲)، بیروت: موسسه الرساله.

حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب. (۱۴۱۸ق). تسلیة المّجالس و زینة المّجالس (مقتل الحسین علیه السلام) (ج ۲). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

راغب اصفهانی. (۲۰۱۲م). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعروف.

عهد جدید: انجیل یوحنا، انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا، اعمال رسولان، رساله‌های پولس (نامه به رومیان، نامه به عبرانیان، نامه به کولسیان، نامه به افسسیان)، مکاشفه یوحنا.

عهد عتیق: سفر پیدایش، مزامیر.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۲۰۰۷م). اصول الکافی (ج ۲ و ۳). بیروت: منشورات الفجر.

مألوف، لویس. (۱۳۷۱). المنجد فی اللغة و الاعلام. قم: اسماعیلیان.

مجلسی، محمدباقر. (۱۹۸۳م). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

مروّجی قزوینی، علی. (۱۳۹۷ق). دراساتنا من الفقه الجعفری (ج ۳). قم: انتشارات مهر.

Ayoub, Mahmoud. (2007). *A Muslim View of Christianity: Essays on Dialogue* (Irfan A. Omar, Ed.). New York: Orbis Books.

Ayoub, Mahmoud. (1978). *Redemptive Suffering in Islam: A Study of the Devotional Aspects of in Twelver Shī'ism*. The Hague in the Netherlands: Mouton Publishers.

Johannes. G & Ringgren, Helmer. (1975). *Theological Dictionary of the Old Testament*. USA: William B. Eerdmans Publishing Co.



- Moravveji, Mahdi. (2022). The Intercessory Role of the Prophet and the Holy Family through the Concept of the hawd al-kawthar: A Critical study of Mahmoud Ayoub's Thoughts. *Turkish Journal of Shiite Studies*, 4, pp. 33-49.
- Moltmann, Jurgen. (2002). *Theology of Hope: On the Ground and the Implications of a Christian Eschatology*. London: SCM Press.
- VandenBerg, Mary. (2007). Redemptive Suffering: Christ's Alone. *Scottish Journal of Theology*, 60(4), pp. 394-411.



۶۲

نظر  
صدر

سال بیست و هشتم، شماره سوم (پیاپی ۱۱۱)، پاییز ۱۴۰۲



## References

\* The Holy Quran.

The New Testament: John, Matthew, Mark, Luke, Acts of Epistles, Paul's Epistles (Epistle to the Romans, Epistle to the Hebrews, Epistle to the Colossians, Epistle to the Ephesians), Book of Revelation.

The Old Testament: Book of Genesis, The Book of Psalms.

Ayoub, M. (1978). *Redemptive Suffering in Islam: A Study of the Devotional Aspects of in Twelver Shī'ism*. The Hague in the Netherlands: Mouton Publishers.

Ayoub, M. (2007). *A Muslim View of Christianity: Essays on Dialogue* (Irfan A. Omar, Ed.). New York: Orbis Books.

Ḥusaynī al-Mūsawī, M. (1418 AH). *Tasliyat al-mujālis wa-zīnat al-majālis (story of al-Husayn's murder)* (Vol. 2). Qom: Mu'assasat al-Ma'arif al-Islamiyya. [In Arabic]

Ibn Abī l-Ḥadīd, A. (1967). *Sharḥ nahj al-balāgha* (M.A. Ibrahim, Ed., Vol. 13). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]

Johannes. G & Ringgren, H. (1975). *Theological Dictionary of the Old Testament*. USA: William B. Eerdmans Publishing Co.

Kulaynī, M. (2007). *Uṣūl al-kāfi* (Vols. 2 & 3). Beirut: Manshurat al-Fajr. [In Arabic]

Majlisī, M.B. (1983). *Biḥār al-anwār*. Beirut: al-Wafa Institute. [In Arabic]

Ma'luf, L. (1371 AP). *Al-Munjid fī l-lughā wa-l-a'lām*. Qom: Esmaeilian. [In Arabic]

Moltmann, J. (2002). *Theology of Hope: On the Ground and the Implications of a Christian Eschatology*. London: SCM Press.

Moravveji Qazvini, A. (1397 AH). *Dirāsātunā min al-fiqh al-Ja'farī* (Vol. 3). Qom: Mehr Publications.

Moravveji, M. (2022). The Intercessory Role of the Prophet and the Holy Family through the Concept of the hawd al-kawthar: A Critical study of Mahmoud Ayoub's Thoughts. *Turkish Journal of Shiite Studies*, 4, pp. 33-49.



- Muttaqī al-Hindī, A. (1981). *Kanz al-‘ummāl* (Vol. 12). Beirut: al-Risala Institute.  
[In Arabic]
- Rāghib al-Iṣfahānī, H. (2012). *Al-Mufradāt fī gharīb al-Qur’ān*. Beirut: Dar al-Ma’ruf. [In Arabic]
- VandenBerg, M. (2007). Redemptive Suffering: Christ’s Alone. *Scottish Journal of Theology*, 60(4), pp. 394–411.



۶۶

نظر  
صدر

سال بیست و هشتم، شماره سوم (پیاپی ۱۱۱)، پاییز ۱۴۰۲